



ایران قوی و سرافراز با مشارکت حداکثری

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح روز سه‌شنبه به مناسبت عید سعید غدیر در دیدار هزاران نفر از هموطنان، واقعه غدیر را زمینه‌ساز استمرار حاکمیت اسلامی و تداوم الگوی زیست اسلامی‌برشمردند و با اشاره به برخی فضائل امیرمومنان(ع)، تأکید کردند: مردمی‌بودن نظام اسلامی و اعتقاد به تأثیر حضور فردفرد مردم در سرنوشت کشور را از مولای خود آموخته‌ایم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین با اشاره به انتخابات بسیار مهم روز جمعه، مشارکت حداکثری مردم و انتخاب اصلح را موجب سرافرازی ملت و…

صفحه ۲

دیبرکل حزب مردم سالاری:

اگر مشارکت پایین باشد باز هم همان‌ها که بودند می‌مانند

صفحه ۲



عکس: ایرنا

خاتمی:

به پزشکيان رای می‌دهم

صفحه ۲

سر مقاله

انتظارات مردمی، کاندیداها و جامعه نخبگانی

سجاد عابدی

باید توجه داشت که جوانان تربیت شده اهداف و آرمان‌های نظام مردم‌سالاری و باورهای ایرانی را با لحاظ همه ظرایف و ملاحظات فرهنگ جامعه‌ایرانی – اسلامی از یک‌سو و تغییر نسل‌ها، چشم‌اندازهای جهانی تهدیدها و مخاطرات بین‌المللی، آسیب‌های درونی و موارد این چنینی از نسوی دیگر، به پیش بریند. در دنیای معاصر بیش از هر زمان دیگر، بقا و دوام سازمان‌ها و ادارات در گرو نظام شایسته‌سالاری و سپردن کار به کاردان است. استفاده نکردن از افراد شایسته و متخصص و نخبه نوعی فرصت‌سوزی است و استفاده کردن از آقازادگان بی‌کفایت آتش زدن کشور است. باید توجه داشت که استفاده نکردن از نخبگان اضمحلال نظام‌های سیاسی و مدیریتی را در پی خواهد داشت. در مقابل، رشد و تربیت رهبران و مدیران شایسته بر اساس تجارب کشورهایی چون سنگاپور، مالزی و فنلاند موید اهمیت تربیت و اثربخش اصل شایسته‌سالاری است. مدیریت بر مبنای شایستگی یک رویکرد منسجم و هماهنگ برای اداره سرمایه‌های انسانی در بلندمدت است که بر اساس مجموعه مشترکی از شایستگی‌های مرتبط با راهبردهای کلان کشور تدوین می‌شود. دقیقاً در همین راستا بوده که استقرار نظام شایستگی به عنوان یکی از سیاست‌های کلان و راهبردی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی‌ایران در کشور مورد تأکید قرار گرفته است. در نظام شایسته‌سالار نباید انتصابات بر پایه قدرت مالی شخص یا موقعیت اجتماعی (ژن خوب) که سرتاسر کشور را فراگرفته است، باشد. در جوامع شایسته‌سالار، نگرش‌های خوشاوندسالاری، قبیله‌گرایی، حزب و تنظیم‌سالاری مطرود است. باید توجه داشت شایسته‌سالاری، نه یک حکومت، بلکه یک ایدئولوژی است.

اما هدف از نظام شایسته‌سالاری چیست؟ آیا هدفی بهتر از تضمین آینده کشور نمی‌تواند باشد؟ بهترین راه برای تضمین آینده کشور استفاده از جوانان شایسته در مسئولیت‌های گوناگون است. در شایستگی بسیاری از مسئولین و انتصابات در حکومت شکنی نیست. اما وجود این افراد در این رده سنی برای حال کشور شاید مساعد باشد اما آینده چه می‌شود؟ اما در واقعیت متناسب با آن به نقش آنان در تصمیم‌گیری‌ها و تحقق مطالباتشان کم‌تر توجه شده یا میزان توجهات با توجه به مسائل، مشکلات و مطالبات خاص حوزه جوان کافی نبوده است. خصوصاً در حوزه‌های اشتغال، تامین زندگی مناسب و ایده‌آل، رفاه و تامین اجتماعی، مسکن، مشارکت اجتماعی و… می‌توان دغدغه‌های جوانان را مشاهده کرد.

نگرانی‌هایی که تنها و تنها یک علت دارد و آن چیزی نیست جز عدم برنامه‌ریزی مناسب توسط مسئولین مربوط در حوزه جوانان در دولت‌های مختلف. به طوری که در کشوری با این همه نعم خداوندی و جوانان تحصیل کرده، امروزه یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های کشور بحث بیکاری و و ذلت برای نظام جمهوری اسلامی‌ایران نباشد و نخواهد داشت.

نگرانی‌هایی در خصوص بیکاری فرزندانشان که حالا بیشترشان جوانانی تحصیل کرده نیز هستند، ناشسته باشد. این در حالی است که هر روزه دولتمردان از وجود ظرفیت‌های زیادی برای تامین و ایجاد اشتغال و رفع موانع بیکاری در کشور در آینده‌ای نزدیک، سخن می‌گویند. درست است که بیکاری مشکل بزرگ اکثر کشورهاست اما این مشکل در ایران به حالت وخیم درآمده. به طوری که یکی از اهداف تمامی دولت‌ها در ایران حل این معضل بزرگ بوده که در کنار تورم دو علت اصلی فقر، فساد و بی‌عدالتی را تشکیل داده و بر مشکلات پیش روی جوان ایرانی و دغدغه‌های خانواده اش پیش از بیش افزوده است.

اگر روزی در کشور با کمبود متخصص روبه‌رو بودیم و علت بیکاری جوانان را دولتمردان، عدم دارا بودن تخصص و مهارت کافی می‌دانستند، اما امروزه جطور می‌توان بیکاری جوانان تحصیل کرده برای جوانان عزیز این مرز و بوم نمی‌شود؟ آیا اگر نمونه‌اند، توجیه کرد؟ یا این وضعیت و نبود امنیت کاری و عدم دارا بودن کار مناسب و حقوق کافی، باعث افسردگی و افزایش بیماری‌های گوناگون برای جوانان عزیز این مرز و بوم نمی‌شود؟ آیا اگر دولت‌های مختلف به جای توجه به واردات کالا‌های رنگارنگ از کشورهای مختلف و ایجاد فضا برای اقزادگان که خفت چیزی عاید کشور نکرده‌اند و در نتیجه کاهش تقاضا برای کالا‌های داخلی، کمی‌بیشتر به فکر افزایش سرمایه‌گذاری و ایجاد امنیت اقتصادی و لذا افزایش تولید کالای ایرانی بودند، وضعیت بهتر نمی‌شد؟

جناب آقای محسن اسماعیلی در مطلبی آورده‌اند: «خسرتین جمله از خطبه شششنبه «أما والله لَئذْ تَقَمَّصَهَا فِئَلَانٌ وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَمَلِي مَنْهَا مَحَلُّ الْقَطْبِ مِنَ الرَّحَى» (آگاه باشید که به خدا سوگند، فلائی جامه خلافت را به تن کرد؛ در حالی که می‌دانست چایگه من نسبت به خلافت نظیر جایگاه محور سنگ آسیاب به آن است.) که با بکار بردن ادات تنبیه، سوگند جلاله و استفاده از حرف «لام» و کلمه «قد» برای «تأکید» توسط امیرالمومنین(ع) همراه است.

هشدار و سوگند امام برای این است که بگوید زیر پا گذاشته شدن اصل اساسی شایسته‌سالاری پس از رحلت پیامبر(ص)، آگاهانه انجام شد و از نگاه اسلام به زمامداری به عنوان امانتی کمرشکن به نگاه دنیاطلبان عدول شد. ممکن است کسی بپندارد که قصد امام در نخستین جمله خطبه شششنبه، تأکید بر اولویت و احقیت خود و تبیین جایگاه منحصر به فردش نسبت به حکومت بوده است. اما چنین نیست؛ زیرا این مطلب از واضحات بوده و کسی، حتی خلفا و طرفداران آنها منکر آن نبوده‌اند. آنها نیز ادعان و اعتراف می‌کردند که علی(ع) برتر است، اما توجیه می‌کردند که مثلاً به علت جوانی یا شوخ بودن او یا کینه افراد و قبایل ز سلحشوری‌های امام در جنگ‌های زمان پیامبر مانع از موفقیت او می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۰

تحلیل

با پدیده وارونگی کمپین‌های انتخابات مواجه هستیم

ابوالفضل فاتح

از رقیب متمایز کند. توجه به اینترنت و رسانه‌های اجتماعی اقدامی درست، اما فراموشی فضای واقعی و کلاسیک اشتباهی مهلک است. تا وقتی اینترنت انتخاباتی و خانه‌ها فوتبالی است، تا وقتی ستادها و شلوغ و خیابان‌ها خلوت است، رای از فضای مجازی به فضای واقعی وارد نخواهد شد و از ابر مجازی، باران نخواهد بارید.

راه حل:

باید بین فضای مجازی با فضای واقعی ارتباط برقرار کرد. بعضاً از «ده» رای مجازی ، بیش از چند رای واقعی حاصل خواهد شد. تا موج سخنرانی‌ها در سراسر کشور شکل نگیرد، تا درب خانه‌ها زده نشود، تا در دیوار رنگ انتخابات نگیرد، تا سفرها به دورترین نقاط صورت نگیرد و تا کاندیداها در تهران و با شخصیت‌های تکراری، برنامه اجرا کنند، هیجان فضای مجازی به فضای واقعی منتقل نخواهد شد و درصدمشارکت آراء، تحول چشمگیری نخواهد یافت. انتخاباتی کردن فضا نیازمند ترکیبی فعال از شبکه‌های اجتماعی و دیگر رسانه‌های اینترنتی، رسانه‌های کلاسیک و حضور واقعی و فیزیکی است. همین سال گذشته همه شاهد بودیم که در ترکیه فضای مجازی و رسانه‌های اینترنتی اجتماعی و تلویزیونی گسترده‌تر از ایران است، چگونه فضای کوچکه و خیابان مملسو از کارناوال‌ها و تحرکات انتخاباتی بود. روش‌های سنتی و کلاسیک در کنار روش‌های مدرن، ترکیب مناسب و موثرتری را شکل می‌دهند و نباید بهک شیوه انکفا کرد.

خانننشینی سلبریتی‌ها:

اینترنت به شدت سلبریتی محور است، بدون مشارکت فعال سلبریتی‌ها بعید است در فضای مجازی کمپینی به پیک خود برسد. پس از قضایای ۱۴۰۱، که حضور سلبریتی‌ها در فضای مجازی و واقعی پر شمار بود، اینک بسیاری از آنها سرخورده از فشارها، خانه نشین شده‌اند. فضای مسلط بر شبکه‌های اجتماعی تحریمی‌است. سلبریتی‌ها در این‌سضا فضا برای توجیه حضور در انتخابات به نفع هر کاندیدایی با فشار فزاینده ای خواجه خواهد شد و به اصطلاح با امواج کنسل شدن مواجه خواهند بود. با توجه به این واقعیت، سرمایه گذاری صرف کمپین‌ها و واقعی نشده است.

ابرفرازها (مگااستیمنت‌ها) و ابررخداه‌ها (مگاایونت‌ها):

مگا استیمنت‌ها (ابر فرازاها)، مگا ایونت‌ها (ابر رخداه‌ها نظیر ابر اجتماعات)، مگا ساجسشن‌ها (ابر پیشنهادات) و مگا دیسژن‌ها (ابر تصمیمات) مولفه‌های اصلی کمپین‌ها هستند و در پیمای انرژی و معنا بخشی به کمپین‌ها بسیار مؤثرند. در این انتخابات فعلاً با ابررخداد خاصی مواجه نبوده ایم و هیچ کاندیدایی نتوانسته اجتماعی عظیم می‌شود و متمایز و انرژی بخشی را پدید آورد.

ادامه در صفحه ۱۰

با چه برنامه، چه پدیده و دستاوردهایی مواجه خواهند بود و اگر رای ندهند، چه تفاوت عمده‌ای ایجاد خواهد شد؟ کاندیدا باید با قید مصادیق و ذیل گفتمان اصلی خود، برای مردم روشن کند ایران با او به کجا خواهد رسید؟ و بدون او چه می‌دانند که با احساب افرادی که به احتمال زیاد در انتخابات مشارکت می‌کنند این میزان به حدود ۵۰ درصد می‌رسد. باور نگارنده این است که این میزان می‌تواند بنا به شرایط روزهای آینده بین ۴۸ تا ۵۸ درصد نوسان داشته باشد.

چنانچه در نوشته قبلی عرض شد، با «انتخابات دشواری» برای همه مواجه هستیم. انتخابات زود هنگامی که بسیاری را غافلگیر کرده و فقدان برنامه شاخصه آن است. جناح اصول گرا خود را تداوم دولت رئیس جمهور فقید می‌داند، اما نمی‌داند چگونه با توجه به تورم و مشکلات عمیق مردم، با عدد و رقم از عملکرد آن دفاع کند. شورای نگهبان با یک پرسش اساسی مواجه است: چرا برای یک جناح پنج کاندیدا قرار داده است؟ و چند نفر را بهک نفر قرار داده است و چرا کاندیدا‌های کم درصدی را تأیید و بسیاری از کاندیدا‌های ۵۰ درصدی را خانه نشین کرده و تراز انتخابات را پایین آورده است. اصلاح طلبان با دشواری مواجه هستند، چرا دو انتخاباتی قبل از تحریم و در انتخابات اخیر حضور یافته‌اند و چگونه مردین را به صحنه خواهند آورد و اگر شکست بخورند، چه آینده ای برای خود متصور خواهند بود؟ و اگر پیروز شوند در چارچوب فعلی چه نتیجه ای بهتر از دولت روحانی خواهند گرفت؟ تحریمی‌ها با دشواری مواجه هستند که بخشی از دوستان اصلاح طلب به صحنه آمده‌اند و آنها را همراهی نمی‌کنند و هم ائتلافیو مشخص آنها برای ترک مشارکت چیست و این قهر تا چه زمانی ادامه پیدا خواهد کرد؟ دشواری دیگر و مهمتر این انتخابات، پیچیدگی‌ها و کنش‌هایی است که از سوی جریانات فشار و حامیان پشت پرده آنها در شرایط رقابت‌های نزدیک شاهد بوده ایم و هر گاه رقابت سخت می‌شود به تنظیمات کارخانه باز می‌گردند.

اشکالات کمپین‌ها:

وضوح گفتمانی:

فقدان وضوح گفتمانی از اشکالات کمپین انتخابات فعلی است. کمپین‌ها هنوز به روشنی توضیح نداده‌اند گفتمان خود را ذیل کدام یک از اصول بنیادی تعریف کرده‌اند و به کدام یک اولویت بیشتری بخشیده‌اند. آزادی؟ عدالت؟ ملیت؟ معنویت؟ پیشرفت؟

کمپین‌ها تاکنون مسائل اساسی کشور و مردم و کلاف‌های سردرگم و این که «چرا به اینجا رسیدیم؟» و « برنامه و راه حل من چیست؟» و «چگونه به انجام خواهد رسید؟» را هدف قرار نداده‌اند. مردم انتظار دارند مشخصاً دریابند که اگر در صحنه بیایند و به هر یک از کاندیداها را برگزینند، دقیقاً تا ۴ یا هشت سال دیگر در حوزه‌های اساسی

با چه برنامه، چه پدیده و دستاوردهایی مواجه خواهند بود و اگر رای ندهند، چه تفاوت عمده‌ای ایجاد خواهد شد؟ کاندیدا باید با قید مصادیق و ذیل گفتمان اصلی خود، برای مردم روشن کند ایران با او به کجا خواهد رسید؟ و بدون او چه می‌دانند که با احساب افرادی که به احتمال زیاد در انتخابات مشارکت می‌کنند این میزان به حدود ۵۰ درصد می‌رسد. باور نگارنده این است که این میزان می‌تواند بنا به شرایط روزهای آینده بین ۴۸ تا ۵۸ درصد نوسان داشته باشد.

راه حل مناظرات:

باید به مناظرات انرژی جدیدی تزریق شود. یکی از استراتژی‌ها تلاش‌شاخته شده در رقابت، استراتژی اقیانوس آبی است. بر اساس این استراتژی وقتی در یک سطح با رقابت شدیدی مواجه هستید، بهتر است سطح و عرصه جدیدی را بگشایید و بر مشکلی تأکید کنید که می‌توانید بگشایید. با بهره گیری از این استراتژی پیشنهاد می‌شود ضرورتاً همه وقت زمان را صرف پاسخ داده نشود و در هر بار صحبت، اولاً از زاویه جدیدی به موضوع ورود شود و ضمناً موضوع و پرسش یا مسئله جدیدی نیز از سوی کاندیدا تولید شود که خود کاندیدا با «مگا ساجشن»‌هایی که ارائه می‌دهد (در این خصوص متعاقباً توضیح داده شده است)، می‌تواند راه حل خوبی برای آن باشد و دیگر کاندیداها را به چالش بکشد. صراحت و قاطعیت کاندیدا در بیان موضوع و نقد شرایط و رویکرد دیگران با ادبیات غیر تکراری از اصول بنیادی تعریف کرده‌اند و به کدام یک اولویت بیشتری بخشیده‌اند. آزادی؟ عدالت؟ ملیت؟ معنویت؟ پیشرفت؟

کمپین‌ها تاکنون مسائل اساسی کشور و مردم و کلاف‌های سردرگم و این که «چرا به اینجا رسیدیم؟» و « برنامه و راه حل من چیست؟» و «چگونه به انجام خواهد شد؟» را هدف قرار نداده‌اند. مردم انتظار دارند مشخصاً دریابند که اگر در صحنه بیایند و به هر یک از کاندیداها را برگزینند، دقیقاً تا ۴ یا هشت سال دیگر در حوزه‌های اساسی

مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

چهارشنبه ۶ تیر ۱۴۰۳ - ۱۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۵ - ۲۶ ژوئن ۲۰۲۴ - سال بیست و سوم - شماره ۶۲۹۲ - ۱۲ صفحه - ۱۰۰۰۰ تومان